

## راه های سه گانه خلق تصویر

برای دستیابی به یک بیان تصویری متناسب و هماهنگ با سبک نوشتار یا درونمایه متن، تصویرگر پس از مطالعه متن، هرگز براساس حدس و گمان و احساس لحظه ای یا حتی سلیقه شخصی و از آن مهم تر، حتی بر مبنای عادات حرفه ای و طرز کار مالوف و همیشگی خود دست به کار نمی شود. به طور کلی، با سه شیوه می توان «متن» را به «تصویر» درآورد:

۱) شیوه انتزاعی (Abstract)

۲) شیوه رمزی یا سمبلیک (symbolic)

۳) شیوه واقع نمایانه (Realistic)

اتخاذ هر یک از شیوه های یاد شده، به محتوا و معنای نهفته در متن بستگی دارد، لذا تشخیص این نکته که متن پیشنهادی برای «معادل بصری» باید به چه شیوه ای کار شود، بسیار اهمیت دارد. انتخاب صحیح شیوه ای که با درونمایه متن هماهنگ باشد (انتزاعی، رمزی، واقع نمایانه)، خلاقیت و پختگی تصویرگر را می رساند اما استفاده متناسب از «تکنیک های خلق تصویر» هوشمندی و مهارت او را نشان می دهد. با هر تصمیم غلط، اثر مخدوش و کارآیی خود را به عنوان یک «نظام ارتباط بصری» در مواجهه با متن که یک «نظام ارتباط کلامی» است از دست می دهد و به همین اعتبار، می توان اذعان داشت که تصویرگری یعنی یافتن معادل بصری متناسب با محتوای کلام و محتوای متن، با این نگرش باید گفت: تبدیل امر «خواندنی» به امر «دیدنی» روندی بسیار پیچیده است و به سفری از یک سرزمین آشنا به سرزمینی ناشناخته می ماند.

### ● فرآیند خلق تصویر به شیوه انتزاعی

در چنین رویکردی، هنرمند چندان اعتدالی به ظاهر، جزئیات و انشای قابل تشخیص ندارد و سعی می کند از بازنمایی و شباهت با دنیای واقعی دوری کند. در این نوع از تصویرگری، طراح هرگز با عناصر طبیعی، ملموس و آشنا مثل درخت، گل، پنجره، میز، آدم و ... اقدام به تصویرسازی نمی کند. بلکه با استفاده از «عناصر ذهنی» elements conceptual مثل جهت، موقعیت، فضا و جاذبه اقدام به تصویرسازی می کند.

در تصویرگری به شیوه انتزاعی، هنرمند خط، نقطه، سطح، رنگ و بافت را به سخن وامی دارد تا یک معادل بصری خلاق و بدیع برای تصویرسازی متن ارائه کند.

این نوع از تصویرگری، سواد بصری مخاطبان را افزایش می دهد و ذخیره مهارت های ارتباطی آنان را غنی تر می سازد. خوانش تصویر در این ژانر از تصویرگری، شگفت آور است. در این نوع تصویرگری، فرآیند بازنمایی الزاما نیازی به شباهت سازی آشکار میان تصویر و معنا ندارد. یعنی انعکاس شکل ها، خط ها و سایه روشن ها با مشخصه های متناظر جهان واقعی در کالبد طراحی، تنها یک وجه از عمل تصویرگری است و پرداختن به «واقعیت گرایی بازنمایانه» تنها گونه نمایش مفاهیم و معانی نیست. یعنی، همیشه با نشان دادن یک انسان واقعی یا انشای واقعی نیست که می توان دست به تصویرگری زد، بلکه با ترسیم «عناصر ذهنی»، «عناصر بصری» و «عناصر ارتباطی» نیز می توان معنای مختلف را منتقل کرد.

در واقع، هنگامی که یک «اثر تصویری» را با خصوصیات همچون: متعادل، پرتحرک، ارتجالی، مبهم، صریح، سیال یا هر تعبیر دیگری توصیف می کنیم، چه فرقی می کند که آن اثر ترکیبی از خطوط، سطوح، رنگ ها و شکل ها باشد یا ترکیبی از اسب ها، درخت ها، آدم ها و تصاویر ملموس دیگر؟

واسیلی کاندینسکی می گفت: تأثیر بصری گوشه تیز یک مثلث بر دایره، کمتر از انگشت اشاره پروردگار بر انسان در تابلوی آفرینش اثر میکل آنژ نیست.

### ● فرآیند خلق تصویر به شیوه رمزی

شیوه رمزی یا سمبولیک، بیان مادی (بصری و زبانی) امور رازآمیز، نادیدنی و فراطبیعی با استفاده از نمادها و نشانه هاست. سمبولیسم از واقعگرایی دوری می کند و بر آن است که تصویر می تواند ایده ها، مفاهیم و حالات ذهنی را به جای توصیف صرف دنیای مرئی منتقل کند. این نوع از تصویرگری، گرچه در مقام یک زبان بر چیزی غیر خود دلالت دارد اما بصری است نه ادبی!

در چنین شیوه ای، به سختی می توان شباهت هایی ظاهری میان «تصویر» و «متن» پیدا کرد. در تصویرگری سمبولیک، تصویر، عمق و گوهر نوشتار را به طور «رمزی» نشان می دهد تا جهان دیگری برپا شود که با ایما و اشاره، محتوای متن را در سازوکاری متفاوت در مقابل دیدگان مخاطب بازآفرینی کند. در این رویکرد، «متن» به عنوان یک نقطه آغاز به حساب می آید، نه یک هدف غایی! تصویرگر باید متن را بازآفرینی و با بدعت و تکنیک های غیرمنتظره حتی خود را نیز غافلگیر کند.

شیوه رمزی در تصویرگری، غالباً برای متونی مناسب است که برخوردار از لایه های درونی و مفاهیم ذهنی باشند. در تصویرگری رمزنگارانه، تصویر در کنار متن می ایستد، یعنی تصویر قصد ترجمه مستقیم یا توصیف سطحی متن را ندارد. درست است که جرعه های نخستین تصویر، از کلام شعله ور شده اما در نهایت، تصویر، طفیلی کلام نیست و می تواند به طور مستقیم و قائم به ذات به حیات خود ادامه دهد. در شیوه سمبولیک، یک نظام ارتباطی بصری نشانه به نشانه یک نظام ارتباطی کلامی سر بر می آورد، بی آنکه تداخل یا تنش روی دهد.

در تصویرگری سمبولیک، ممکن است تصویرگر به شیوه ای واقع نمایانه، اشیا، موجودات یا عالم طبیعت را نشان دهد، آنچنان که تک تک عناصر بصری به تفکیک قابل شناسایی باشند اما این عناصر بصری آشنا را در ترکیبی غریب و نسبت هایی بدیع و ناشناخته در مجاورت یکدیگر قرار دهد. خوانش تصویر، در چنین آثاری درست مثل خواندن تک تک حروف جمله ای به زبانی بیگانه است که حرف به حرف آن را می خوانیم اما معنای کلی جمله را در نمی یابیم.

### ● فرآیند خلق تصویر به شیوه واقع نمایانه

در این رویکرد، تصویرگر نمی خواهد چیزی بیش از ظرفیت متن را به مخاطب القا کند، بلکه می کوشد به فضای ذهنی نویسنده آنقدر نزدیک شود که تصاویر و کلمات در یک هماهنگی با یکدیگر حرکت کنند. در این شیوه تصویرگر کاری بیش از ساختن تصاویر انجام نمی دهد، آن هم تصاویری که معادل دقیق کلمات اند.

از این شیوه تصویرگری «مصور کردن» کتاب ها و نشریات مختلف آموزشی، اعم از زیست شناسی، جغرافیا، شیمی، فیزیک، ریاضی، زبان و ... بهره برداری گسترده ای می کنند. همچنین در کلیه مواردی که عکسبرداری از آنها دشوار یا ناممکن باشد، مانند تشریح مصور اندام های داخلی بدن موجودات زنده، نشان دادن قطعات و جزئیات داخلی و نمایش مکانیسم پیچیده انواع وسایل و دستگاه های برقی، الکترونیکی و مکانیکی (هم به منظور راهنمایی مصرف کنندگان و هم برای تقویت نظام آموزشی و تدریس فنی)، از این شیوه استفاده می شود.

این نوع از تصویرگری، مقارن با تکامل و توسعه فن آوری ها به عنوان بخش انکارناپذیر در شناخت پدیده های پیچیده صنعتی، پیشرفت بیشتری نسبت به تصویرگری انتزاعی و سمبولیک داشته است زیرا جنبه کاربردی، آموزشی و تشریح بسیار زیادی دارد. دامنه کاربرد تصویرگری به شیوه واقع نمایانه (رئالیستیک)، به فیلم های متحرک (animation) نیز رسیده است. در فیلم های متحرک، تصویرگری رئالیستیک با پشتیبانی صدا، حرکت و متن مولتی مدیا توانسته است ابعاد انکارناپذیر و قدرتمندی از قابلیت های بیانی (expression) و تاثیرگذاری (impression) از خود باقی بگذارد، به گونه ای که تولیدات اینگونه تصاویر، به یک صنعت و اقتصاد بزرگ و مطرح در جهان تبدیل شده است.

